



**PERSIAN A1 – HIGHER LEVEL – PAPER 1**  
**PERSAN A1 – NIVEAU SUPÉRIEUR – ÉPREUVE 1**  
**PERSA A1 – NIVEL SUPERIOR – PRUEBA 1**

Tuesday 21 May 2002 (afternoon)

Mardi 21 mai 2002 (après-midi)

Martes 21 de mayo de 2002 (tarde)

2 hours / 2 heures / 2 horas

---

**INSTRUCTIONS TO CANDIDATES**

- Do not open this examination paper until instructed to do so.
- Write a commentary on one passage only.

**INSTRUCTIONS DESTINÉES AUX CANDIDATS**

- Ne pas ouvrir cette épreuve avant d'y être autorisé.
- Rédiger un commentaire sur un seul des passages.

**INSTRUCCIONES PARA LOS ALUMNOS**

- No abra esta prueba hasta que se lo autoricen.
- Escriba un comentario sobre un solo fragmento.

## بخش یکم

یکی از دو متن زیر را بررسی و تفسیر کنید:

۱ الف:

نگاه کن که غم درون دیده ام  
 چگونه قطره قطره آب می شود  
 چگونه سایه سیاه سر کشم  
 اسیر دست آفتاب می شود

5 نگاه کن

تمام هستیم خراب می شود  
 شراره ای مرا به کام می کشد  
 مرا به اوج می برد  
 مرا به دام می کشد

10 نگاه کن

تمام آسمان من  
 پر از شهاب می شود  
 تو آمدی ز دورها و دورها  
 ز سر زمین عطرها و نورها

15 نشاندهای مرا کنون به زورقی  
 ز عاجها، ز ابرها، بلورها  
 مرا بپر امید دلتواز من  
 بپر به شهر شعرها و شورها  
 به راه پر ستاره می کشانی ام  
 فراتر از ستاره می نشانی ام

20

نگاه کن

من از ستاره سوختم

لبالب از ستارگان تب شدم

چو ماهیان سرخ رنگ ساده دل

ستاره چین بر که های شب شدم 25

چه دور بود پیش از این زمین ما

به این کبود غرغه های آسمان

کنون به گوش من دو باره می رسد

صدای تو

صدای بال برفی فرشتگان 30

نگاه کن که من کجا رسیده ام

به کهکشان، به بیکران، به جاودان

نگاه کن که موم شب برای ما

چگونه قطره قطره آب می شود

صراحی سیاه دید گان من 35

به لای لای گرم تو

لبالب از شراب خواب می شود

به روی گاهواره های شعر من

نگاه کن

تو میدمی و آفتاب می شود 40

فروغ فرخزاد آفتاب می شود

۱ ب:

## زبان حال چیست و زبان کیست؟

آیا حیوانات زبان دارند و مانند انسان با یکدیگر سخن می گویند؟ این پرسش که از قدیم ذهن فرزندان آدم را همواره به خود مشغول کرده است پرسش دشواری نیست و پاسخ آن هم روشن است. هیچ کس ندیده است که حیوانات با یکدیگر یا با انسان سخن گویند. اساساً سخن گفتن از نظر حکما و عقلا موهبتی است که خداوند در میان همه موجوداتی که در روی زمین خلق کرده است با انسان عطا فرموده و لا غیره. تعریفی که ارسطو از انسان کرده و گفته است که انسان "حیوانات ناطق" یا "جانور گویا" است دقیقاً این معنی را نشان می دهد. سخن گفتن فصل ممیز انسان از سایر حیوانات است. پس فقط انسان است که گویاست و سخن می گوید. و این گویایی هم از لوازم ذات اوست. حیوانات دیگر، هر چند که ظاهراً از راه علایم و اصوات به یکدیگر پیام میرسانند، ولی چون نفس ناطقه ندارند با یکدیگر سخن نمی گویند. به رغم این نکته که فلاسفه و حکما در مورد ناطق بودن انسان و خموش بودن حیوانات گفته اند، عامه مردم و حتی ادیبان و شعرا در باره سخن گفتن حیوانات حکایات و افسانه های فراوان نقل کرده اند، از داستانهای پنجه تنترا یا کلبله و دمنه گرفته تا افسانه های ازوپ و حکایت های عامیانه ای که در میان مردم رواج دارد. در متون کلاسیک اسلامی نیز در رسالهای از رسایل *اخوان الصفا* مطالب فلسفی در باره خلقت حیوانات بیان شده است. البته سابقه این موضوع در میان مسلمانان به خود قرآن برمیگردد. در سوره النمل یکی از مورچگان با یاران خود سخن میگوید و سلیمان هم که زبان حیوانات یا "منطق الطیر" می داند سخن این مورچه را میشنود. در داستان سلیمان و بلقیس نیز هدهد برای سلیمان خبر می آورد و با او سخن میگوید. در تفسیری هم که مفسران از

داستان اصحاب کهف کرده اند گفته‌اند که اصحاب کهف وقتی خواستند سگ خود را از خود دور کنند سگ با ایشان سخن گفت. براساس همین داستانه است که عامهء مسلمانان اعتقاد دارند که حیوانات هر چند که در شرایط معمولی "زبان بسته" اند. ولی به هر حال زبانی در میان خود دارند و با یکدیگر تکلم میکنند و علم به این زبان را هم خداوند به کسیکه بخواهد عطا می کند. پرسشی را که در مورد حیوانات کردیم، در حق اشیاء هم می توان مطرح کرد. و اگر در مورد حیوانات که به هر حال اصواتی از آنان ظاهر می شود بتوان گفت که به یک معنی "زبان" دارند، در حق اشیاء اصلاً چنین چیزی قابل تصور نیست. اشیاء را اصلاً زبانی نیست که بتوانند با آن حتی اصواتی پدید آورند. ولی با این حال، در ادبیات ما حکایت‌های فراوانی هست که بنابر آنها اشیاء با یکدیگر و یا با انسان سخن می گویند در یکی از آیات قرآن مجید در باره سخن گفتن درخت با موسی است. البته، مفسران بعضاً گفته اند در اینجا گوینده در حقیقت خداوند متعال است که از زبان درخت سخن می گوید.

نصرالله پوجوادی، زبان حال در ادبیات فارسی